

# پژوهشی پیرامون تاریخچه فعالیت های یاقوت مستعصمی آخرین هنرمند مشهور خط و کتاب عصر عباسی

دکتر یعقوب آژند  
استاد دانشگاه تهران

## چکیده

در اختراع و ابتکار اقلام ششگانه خطاطی سه تن از استادان برجسته خطاطی نقش داشتند یعنی ابن مقله، ابن بواب و یاقوت مستعصمی. درحقیقت فحوص و ارزیابی اقلام ششگانه و تطور و تکامل آنها بدون بررسی و پژوهش کارستان این سه تن استاد امکان پذیر نیست. ابن مقله مبتکر اقلام ششگانه بود و ابن بواب اصول و قواعد آنها را تنظیم کرد و یاقوت بر جنبه زیبایی شناسی آنها صحنه گذاشت و خطاطی را تبدیل به خوشنویسی کرد. در این مقاله زندگینامه و کارستان هنری یاقوت از لابلای منابع اصلی فحوص می شود تا میزان نوآوری و بداعت وی در عالم خوشنویسی روشن گردد. کارستان هنری یاقوت در بستر هنر خطاطی و خوشنویسی طوری بوده که او را الگوی خوشنویسان نسل های پس از خود کرده است. از سده هشتم هجری به بعد هر خطاطی را که خواسته اند تمجید کنند، او را به یاقوت مانند کرده اند. یکی از خصوصیات یاقوت پرکاری و تولید آثار فراوان در خطوط سته بوده و آثار بازمانده از

---

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۲۵

E-mail: y\_azhand@yahoo.com

او هم بیان‌کننده این خصوصیات اوست. در این مقاله آثار بازمانده‌وی طی جدولی از میان منابع گوناگون شناسایی و در نهایت به میراث هنری و میزان تأثیرگذاری وی در صیوررت تاریخی خطاطی اقلام سته توجه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ابن مقله، ابن بواب، یاقوت مستعصمی، ابن علقمی، استادان سته.

### مقدمه

مستعصم آخرین خلیفه عباسی در سال ۶۴۰ هـ به خلافت رسید. او را مردی متدین و خیر و نرمخو و سبک روح وصف کرده‌اند. قرآن را حفظ داشت. بی اراده و ناتوان و از امور مملکت غافل بود. از اینها گذشته از هنر بویژه هنر خطاطی آگاهی داشت و به قول ابن طقطقی «خطی نمکین می نوشت» (ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ۴۴۵) و به موسیقی وابسته بود و نواهای خوش را دوست داشت و اغلب با دل‌فکان و مسخرگان گذران‌زندگی می‌کرد. آشنایی او با خط و کتابت موجب حمایت از خطاطان و خوشنویسان شد و گاه خود در کتابخانه می نشست و به کارهای هنرمندان نظارت می‌کرد.

مستعصم دارای دو کتابخانه بود: یکی کتابخانه ای که از خلفای پیشین به او به ارث رسیده بود و شیخ صدرالدین علی بن نیار ریاست آن را بر عهده داشت. دومی کتابخانه ای بود که خود مستعصم آن را به راه انداخت و ریاست آن را به صفی الدین عبدالمومن بن فاخر ارموی واگذار کرد. صفی الدین علاوه بر خطاطی، از موسیقی هم سر رشته داشت و سلائق خلیفه را ارضا می‌کرد. خلیفه همواره در کتابخانه جدید می نشست و خطاطی و کتابت عبدالمومن را نظاره می‌کرد (همان: ۴۴۶). ابن طقطقی دست کم دو واقعه را که در کتابخانه (یکی در کتابخانه جدید و دیگری در کتابخانه قدیم) برای خلیفه اتفاق افتاده، نقل می‌کند (همان: ۴۴۷-۴۴۶). از این دو داستان پیداست که خلیفه علاقه ویژه ای به کتابخانه و طبعاً کارکنان بویژه کاتبان و هنرمندان دیگر داشته است.

صفی الدین عبدالمومن بن فاخر از اهالی اورمیه بود که در کودکی وارد بغداد شد و در روزگار مستنصر پدر مستعصم در مدرسه مستنصریه به تحصیل فقه شافعی پرداخت و در خوشنویسی به بالاترین درجه رسید و سپس به نواختن عود پرداخت و قابلیت در خور در موسیقی از خود نشان داد اما به خوشنویسی شهره شد از این رو مستعصم به محض رسیدن به خلافت او را رئیس خزانه کتب کرد و دستور داد برای کتابخانه دو کاتب برگزیند که هر چه او انتخاب کند، کتابت کنند. استاد زکی الدین هم برای کتابت انتخاب شد (ابن شاکر، بی تا، ج ۲: ۳۹). صفی الدین یکی از استادان خطاطی یاقوت بوده است. صفی الدین عبدالمومن که مولف کتاب های الادمار والایقاع و کتاب الموسیقا در موسیقی بود به سال ۶۹۳ ه در گذشت.

زکی الدین عبدالله بن حبیب کاتب و خوشنویس دیگر کتابخانه مستعصم بالله در بغداد یگانه روزگار بود. او نیز از استادان خطاطی یاقوت محسوب می شد. او خط را با شیوه ابن بواب می نوشت و صاحب فضل و دانش بود. در سال ۶۵۷ ه در خانقاه اصحاب، شیخ صوفیان شد و در ۶۷۲ ه در خانقاه مجدالدین بن اثیر او را به شیخی بر گماشتند و در سال ۶۸۳ ه در گذشت و عمرش ۷۶ سال بود (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۶۶).

گفتنی است که در سده هفتم هجری به غیر از یاقوت مستعصمی، سه تن یاقوت دیگر زندگی می کردند که در خطاطی شهرت داشتند. اولی یاقوت بن عبدالله رومی موصلی ملکی (منسوب به ملکشاه سلجوقی) ملقب به امین الدین بود که در کتابت و ادب و نحو دست داشت و با شیوه ابن بواب کتابت می کرد و از قرار معلوم خوشنویس و خطاط مخصوص سلطان ملکشاه سلجوقی بود و لقب ملکی را از او به عاریه گرفته بود. از جمله نسخه هایی که کتابت کرد مقامات حریری و صحاح جوهری بود. شاگردان زیادی را تربیت کرد و در سال ۶۱۸ ه در موصل در گذشت (ابن خلکان، ۹-۱۹۴۸، ج ۵: ۱۷۰-۷۳). بعضی از محققان وی را با یاقوت مستعصمی اشتباه کرده اند.

دومی یاقوت بن عبدالله رومی ملقب به مهذب الدین بود که در شعر و ادب و خط دست داشت و در بغداد پرورش یافت و در مدرسه مستنصریه درس خواند و در سال ۶۲۲ ه در

گذشت (یاقوت، ۱۶-۱۹۰۹، ج ۱۹: ۳۱۱). گویا شصت سال عمر کرده است. سومی یاقوت بن عبدالله رومی حموی بود که شهاب الدین لقب داشت. وی در روم زاده شد و در کودکی به اسارت رفت و مردی بازرگان او را خرید و نزد کاتبان برد تا کتابت بیاموزد و امور تجاری او را از پیش ببرد. پس یاقوت کتابت یاد گرفت و در نحو و ادب نیز اطلاعاتی آموخت و بویژه در علم جغرافیا سرآمد شد. کتاب معجم البلدان و معجم الادبا و غیره را تألیف کرد. یاقوت حموی در سال ۶۲۶ هجری در حلب درگذشت (ابن خلکان، ۹-۱۹۴۸، ج ۶: ۱۲۷).

چهارمین یاقوت، یاقوت مستعصمی ملقب به جمال الدین خوشنویس صاحب نام است که در این مقام زندگینامه او را بر خواهیم گشاد. پیداست که هر چهار یاقوت که از عجایب روزگار نام پدرشان هم عبدالله بود و در سده هفتم هجری می زیسته اند، در کتابت و خوشنویسی نام آور بودند و شاید به همین دلیل است که در بین بعضی از پژوهشگران تشابه اسمی آنها در هم ریختگی و اشتباه بار آورده است.

گفتنی است که وزیر خلیفه مستعصم، ابن علقمی شیعی مذهب بود که اهل دانش را محترم می داشت و کتابخانه غنی و نفیسی داشت مشتمل برده هزار جلد و مردم برای او کتاب تألیف و شماری از کاتبان در خدمت او کار می کردند. ابن علقمی شعرا و ادبا را دوست می داشت و شاعران در مدح او شعرها گفته اند (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۴۵۲-۴۵۱). ابن علقمی پس از فتح بغداد به دست هولاکو خان، در جمادی الاول سال ۶۵۶ در بغداد درگذشت.

پیداست که کتابدوستی خلیفه و وزیر او ابن علقمی موجبات شکوفایی هنرهای کتاب آرایی را در بغداد سده ششم و هفتم هجری فراهم کرده است. بعضی از هنر شناسان این مکتب را «مکتب بین النهرین» (Arnold, 1965: 53-63) و برخی دیگر «مکتب عباسی» و شماری هم «مکتب سلجوقی» (زکی محمد حسن، ۱۳۵۷: ۴۴) نامیده اند. بازل گری هم از آن به «مکتب بین المللی عباسی» یاد می کند (گری، ۱۳۶۹: ۱۷ به بعد). به هر تقدیر دستاوردهای این مکتب «حاصل تشویق خلفا و ترغیب وزرا و امرا بود و عامه مردم توجهی بدان نداشتند» (عکاشه، ۱۳۸۰: ۲۲۶). در حقیقت بازمانده های مکتب بغداد که شامل آثار ادبی همچون کلیله و دمنه و مقامات

حریری و آثار علمی نظیر رساله دیوسقوریدس، کتاب الدریاق و غیره و آثار تاریخی همچون الاغانی ابوالفرج اصفهانی و جهانگشای جوینی و غیره بود به مناطق مختلف جهان اسلام، از بغداد تا مصر و شمال آفریقا تعلق داشت. در کنار کتاب آرایه های نه چندان پخته و پرورده این مکتب، یک طیف دیگر هنری نیز حضور یافت و آن هم هنر خوشنویس بود که با وجود هنرمندان کار دیده ای چون صفی الدین عبدالمومن، زکی الدین عبدالله بن حبیب و جمال الدین یاقوت مستعصمی به اوج کمال خود دست یافت.

### زندگی یاقوت

با اینکه شماری از منابع سده هفتم هجری و پس از آن اشاراتی به زندگی یاقوت دارند، ولی این اشارات فراتر از چند جمله و عبارت نمی رود. می دانیم که یاقوت نامی برای غلامان درباری از شمار خواجگان بوده است. یاقوت را از نژاد رومیان نوشته اند و می دانیم که روم به سرزمین بیزانس و یا ترکیه امروزی اطلاق می شده است. از این رو محققان ترک بدون اینکه مأخذی ارائه دهند او را از اهالی آماسیه نوشته اند (سلیمان سعد الدین، ۱۹۲۸: ۵۷۵).

صاحب تحفه الخطاطین او را طواشی می نامد که ظاهراً همان خواجه فارسی یعنی مخنث و خصی است و ترکان غلامان را طواشی می گفتند چون یاقوت را به صورت غلام وارد بغداد کردند و قاضی احمد او را حبشی می نامد (قمی، ۱۳۶۶: ۱۹). تاریخ تولد یاقوت ثبت نشده است و مصطفی عالی افندی می نویسد که چون تاریخ هجری سال ششصد را پشت سر گذاشت خواجه جمال الدین یاقوت دیده به جهان گشود (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۳۸) و سال دقیق تولد او را مشخص نمی کند.

ابن فوطی می نویسد که مستعصم خلیفه عباسی یاقوت را در کودکی خرید و در دارالخلافه به تربیت او پرداخت و این زمانی بوده که مستعصم هنوز خلیفه نشده بود چون وی در سال ۶۴۰ هجری پس از پدرش مستنصر به خلافت رسید. مستعصم یاقوت را به صفی الدین عبدالمومن کتابدار سپرد تا او را پرورد و نیز یاقوت در نزد شیخ عبدالله بن حبیب که فرزندان بزرگان را در

بغداد خطمی‌آموخت و کاتب‌کتابخانه دارالخلافه بود، به فراگیری خط‌پرداخت (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۳۰۱). می‌دانیم هنگامی که مستعصم در سال ۶۵۶ هجری به قتل رسید ۴۶ سال و ۴ ماه از عمرش گذشته بود (همان: ۱۹۴). اگر فرض کنیم که وی در دهه بیست عمر خود یاقوت را خریده باشد و یاقوت هم در سنین کودکی یعنی پنج تا ده ساله بوده، پس تولد یاقوت می‌باید در دهه دوم سده هفتم هجری اتفاق افتاده باشد و ورود یاقوت به بغداد در فاصله بین سال‌های ۶۱۰ تا ۶۲۰ هجری بوده است و اینکه صلاح‌الدین منجد ورود او را به بغداد در سال ۶۴۰ هجری می‌نویسد، دور از ذهن می‌نماید. از آنجا که تاریخ فوت او را ۶۹۸ هجری ثبت کرده‌اند پس هنگام مرگ سنی حدود ۷۵ تا ۸۰ سال داشته است (منجد، ۱۳۷۰: ۱۱۳).

یک داستان جالب دیگر را در باب کودکی و تربیت یاقوت صاحب‌بدایع‌الوقایع می‌آورد. واصفی هروی می‌نویسد که یاقوت و هندوخواجه دو برادر بودند که مستعصم بالله آنها را خرید. یاقوت را برای فراگیری تیراندازی به استادی سپرد و هندوخواجه را برای تحصیل خطاطی به استادی دیگر. اما یاقوت را میل فراگیری خطاطی بود و هندوخواجه را رغبت یادگیری تیراندازی. از این رو یاقوت از تیرهای خود قلم می‌ساخت و به خط نوشتن می‌پرداخت و هندوخواجه هم دوات و قلم را بر طاق نسیان می‌نهاد و هر چه به دستش می‌آمد از آن تیر و کمان می‌ساخت. روزی استاد یاقوت او را از برای تأدیپ مواخذه کرد طوری که سر یاقوت شکست و او را در اتاقی حبس کرد. یاقوت از خون سرش دوات ساخت و انگشت خود را به صورت قلم درآورد و دیوارهای اتاق را منقش گردانید. استادش وقتی این وضعیت را دید انگشت حیرت بر دندان گرفت و دهانش از تعجب واماند. این ماجرا برای هندوخواجه هم نوعی دیگر رخ داد و او قلم را به صورت تیر آورد و شاخچه‌ای را به گونه کمان درست کرد و به ابریشمی بریست و با آن به تیراندازی پرداخت. استادان این دو برادر ماجرا را به خلیفه بازگفتند و خلیفه دستور داد جای این دو برادر را تغییر دهند و به تربیت آنها بپردازند. یاقوت در اندک زمانی به علو درجات خط‌نویسی رسید (واصفی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۳۳-۱۳۱).

پیداست که تربیت و عنایت مستعصم بالله در تحصیل یاقوت کارآمد بوده چون وی را فردی فاضل و هنرمندی فحل بار آورده و برای خلیفه همچون وزیر و مشیر به حساب می آمده و در ارتقای اسلوب کتابت نهایت سعی و کوشش را از خود نشان می داده است. از آنجا که خود مستعصم از خطاطی و کتابت سر رشته داشته، به نوشته عالی افندی یاقوت همواره در کنار خلیفه بوده و از بذل و عنایت او برخوردار می شده است. حتی یاقوت برای نزدیکی و استحسان بیشتر به خلیفه، روزی قطعه ای از کتیبه خود را با شیوه ابن بواب می نویسد و رقم ابن بواب را بدان می نشانند و به خلیفه عرضه می نماید و خلیفه که از نیت او آگاه نبوده قطعه ای را که رقم ابن بواب بدان بود انتخاب می کند و یاقوت از کمال خوشحالی و سرور به شکرگزاری از خلیفه بر می خیزد و اینکه «خلیفه عالی شأن خط» او را پسند کرده است. اما این عمل یاقوت بر خلیفه گران می آید و او را نفرین می کند و می گوید «تو خود بر خویش غدر کردی» و او را شماتت و سرزنش می نماید (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۴۲) و چندین ماه او را از نظرها انداخت.

واصفی یک داستان جالب دیگر را درباره کتابت یاقوت تعریف کرده. وی می نویسد که خلیفه مستعصم بالله کتابت کلام الله را به یاقوت سفارش می دهد. یاقوت به کتابت قرآن می پردازد و وقتی به آیه «والدین آووا و نصروا» می رسد او وسط را به عمد جا می اندازد و جایش را سفید می گذارد. چون کتابت قرآن به اتمام می رسد یاقوت آن را به خلیفه اهدا می کند و خلیفه در مقابل این کار وی تنها هزار درهم به او پاداش می دهد. یاقوت با دلی شکسته مبلغ را می گیرد. خلیفه به تلاوت قرآن می پردازد و وقتی به آن آیه می رسد متوجه می شود که حرف واو افتادگی دارد. در غضب می شود و یاقوت را فرا می خواند و ماجرا را از وی می پرسد. یاقوت می گوید که اشتباهی رخ داده و کار عمدی نبوده است. خلیفه می گوید که آن را بنویسد ولی یاقوت بهانه می آورد که دستش را عارضه ای رخ داده و نمی تواند. خلیفه او را از خود می راند و نوشتن حرف واو را به عهده شماری از کاتبان دیگر می گذارد. کاتبان اظهار عجز می کنند و برای نوشتن آن چهل روز وقت می خواهند. آنها پس از چهل هر روز هر کدام واوی

می نویسند و به خلیفه می دهند و خلیفه بهترین آن را را انتخاب می کند. ولی وقتی با قیچی آنرا می برند تا در جای خود بگذارند، تفاوت فاحشی را احساس می کنند. خلیفه ناچار می شود یاقوت را با احترام و اکرام فرا بخواند تا کار خود را اتمام کند. یاقوت از خلیفه مقدار زیادی زر سرخ و سفید طلب کرد که از خزانه در اختیار او گذاردند. خلیفه به یاقوت گفت همه زرها از آن تست. یاقوت پس از نوشتن حرف واو تنها یک درهم از آنها برمی دارد و بقیه را به خزانه بر می گرداند و می گوید مقصود من جمع ساختن آن مال نبود بلکه قدر خط مرا نمی دانستی و تنها هزار درهم به من عنایت کردی درحالی که پس از دانستن، برای نوشتن یک حرف این همه مال به من عنایت و لطف کردی. پس هر حرفی که از این مصحف نوشته ام به این تعداد زر می ارزد (واصفی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۳۷-۱۳۳).

داستان دیگری از زندگی یاقوت را قاضی احمد قمی می نویسد و آن زمانی است که گویا یاقوت به مرحله استادی رسیده بوده و لقب قبله الکتاب یافته بود و هر روز سخت مشغول کار بود و روزی بیش از هفتاد تن را خط یاد می داد.

در سال ۶۵۶ هجری هولاکوخان بغداد را به تصرف خود درآورد و مستعصم خلیفه عباسی را کشت و بغدادیان را قتل عام کرد (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۹۷-۱۹۴). یاقوت از ترس جان به مناره ای گریخت و در آنجا به خطاطی پرداخت چون کاغذ نداشت پارچه ای از جنس متقال بعلبکی گیر آورد و حروفی چند در آن نوشت. قاضی احمد قمی می نویسد که آن پارچه نوشته در کتابخانه ابوالفتح بهرام میرزا بود و پدرش آن را از نزدیک دیده بود (قمی، ۱۳۶۶: ۲۰). می گویند در همان روز که یاقوت در مناره جای گرفته بود یکی از یاران و شاگردان او نزدش می رود و می گوید که چه نشسته ای که لشکر مغول بغداد را قتل و غارت کرد و تمام شهر ویران شد. یاقوت می گوید: «غم نیست چرا که کافی نوشته ام که به تمام عالم می ارزد چه جای یک شهر بغداد که اگر خراب شود باکی نیست» (همان: ۲۱).

بدین ترتیب یاقوت از هجوم مغول جان به سلامت برد و هنگامی که هولاکوخان، علاءالدین جوینی را در سال ۶۵۷ هـ والی عراق کرد و او را به ریاست دیوان برگماشت برادرش شمس الدین



نیز در کنار او بود. او امور دیوان بغداد را به برادر زاده اش شرف الدین هارون سپرد. علاءالدین جوینی یاقوت را به مقام و منزلت رساند و یاقوت فرزندان او و برادرزاده اش شرف الدین هارون را درس خطاطی و خوشنویسی داد (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۳۰۱).

یاقوت در نزد خاندان جوینی به رفاه و سعادت رسید و ریاست کتابخانه مستنصریه به او واگذار شد. در این زمان ابن فوطی، مورخ، که به اسارت مغولان درآمده بود، ناظر کتابخانه مستنصریه شد. او که چهارده سال داشت توانست از وجود یاقوت برای فراگیری کتابت بهره بگیرد و بعدها به کتابت نسخه ها پردازد. بهر تقدیر، یاقوت در بغداد تجمل و حشمتی بهم زد و صاحب احترام و مکرمت شد. سال فوت یاقوت را ۶۹۸ هجری در بغداد نوشته اند که در جوار قبر احمد بن حنبل به خاک سپرده شد. او نیمی از زندگی خود را در زمان آخرین خلیفه عباسی، مستعصم بالله گذراند و نیمه دیگر را در روزگار حکومت مغولان بر بغداد سر کرد و عمری دراز یافت.

### خط یاقوت

در وصف خط یاقوت گفته اند که اول کسی که کتابت خط کوفی را تغییر داد و به املائی عربی نقل کرد ابن مقله بود و آن کس که اعراب و پاره ای دیگر از محسنات بر آن افزود علی بن هلال معروف به ابن بواب بود. اما آن کس که فن خط را تکمیل و قواعد خطاطی را ختم کرد و راه تحصیل و جمله قوانین آن و آیین خوشنویسی را در یک بیت عربی منظم ساخت جمال الدین یاقوت مستعصمی بود. آن بیت اینست:

اصول و ترکیب کُراس و نسبت      صعود و تشمیر نزول و ارسال

(عالی افندی، ۱۳۶۹: ۴۳)

با اینکه یاقوت بر شیوه ابن بواب می نوشته، اما مقایسه خط او با خط ابن بواب تفاوت و تمایزی را پیش می کشد که جای بحث و فحص دارد. ذهبی در کتاب العبر او را صاحب خط منسوب می نامد که شیوه ای غریب در غایت استواری پدید آورد.

بیشتر مورخانی که به یاقوت اشاره کرده اند او را به نوعی وابسته به شیوه خطاطی ابن بواب دانسته اند. اما آنچه خط یاقوت را از خط ابن بواب متمایز می کرده، شیوه قط زدن قلم او بوده است. از قرار معلوم، ابن بواب با قط مدور می نوشته یعنی قط قلم در نزد او راست مدور بود در حالی که یاقوت با قط محرف می نوشت. بعضی از هنرپژوهان شیوه قط محرف را از ابداعات یاقوت دانسته اند و حتی شیعیان از راه تحبیب نوشته اند که یاقوت امیرالمومنین علی (ع) را در خواب دید که به او شیوه قط محرف را آموخت و اینکه «نوک قلم را دراز بتراش و فربه بگذار و قط قلم منحرف بزن که چون قلم بر کاغذ نهی آواز کند... پس بهتر آنست که قط قلم منحرف زنند و نوک قلم دراز و گوشه دار باشد چون بر صفحه کاغذ نهی در حرکت آید و صدایی از او ظاهر گردد» (قاضی احمد قمی، ۱۳۶۶: ۱۹). از آنجا که ابن بواب قلم را قط نمی زد، از این رو کتابت او نازک و لطیف نبود. اما یاقوت قلم را قط زد و از آن قاعده تغییر کرد و در خط نیز تغییرات پدید آورد (همان). خط یاقوت را به جهت نزاکت و لطافت، نه از جهت اصول و قاعده، مقدم بر خط ابن بواب می نهند.

اما اینکه قط زدن محرف قلم را از ابداعات یاقوت دانسته اند، ظاهراً نباید درست باشد. چون پیش از او تحریف در قلم بویژه از سده سوم هجری به بعد معمول بوده است و خوشنویسان به خوش تراشی قلم، درازی سر قلم و قط محرف و غیره سفارش کرده اند. حتی ابن مقله در رساله خط خود بر قط محرف تأکید ورزیده است و می گوید «ستوده ترین قط از محرف و مستوی آنست که هرگاه قلم راست گرفته شود سمت راست دندان آن اندکی بلندتر باشد و این معنا تحریف است» (منجد، ۱۳۷۰: ۱۱۷ به نقل از ابن مقله).

از این جملات پیداست که خط محرف از قرن ها پیش بین خوشنویسان متداول بوده و از ابداعات یاقوت نمی تواند باشد، اما از آنجا که یاقوت در نوشتن همه خط ها از قواعد خط مستوی پیروی می کرده، کوشیده تا این قواعد را به تراز والایی از زیبایی و صورتبندی برساند. خط منسوب خطی بود که هر حرف آن بر حسب نسبت معینی با حروف دیگر کتابت می شد و حروف با یکدیگر تناسب داشتند و یاقوت در این نوع خط به حد اتقان رسیده بود و آن را زیباتر و پخته تر از ابن بواب می نوشته و از او پیشی گرفته است. در حقیقت یاقوت در تراشیدن قلم به شیوه بدیعی دست یافت که پیش از او سابقه نداشت. طوری که در ادوار بعد نوشتن به شیوه او الگو شد و برای یک نفر خوشنویس افتخاری بالاتر از این نبود که همچون یاقوت بنویسد و خط خود را به پای وی برساند. خطوط اسلامی در زمان او به شش خط منحصر گردید یعنی ثلث، نسخ، ریحان، محقق، توقیع و رقاع که به خطوط اصول معروف شد. یاقوت خط ثلث و ریحان را زیباتر از سایر خطوط می نوشته است.

### تألیفات یاقوت

بیشتر منابعی که از یاقوت یاد کرده اند، اشاره ای هم به اشعار او دارند ابن فوطی که با او از نزدیک معاشرت داشت از اشعار نغز و زیبایی او یاد می کند. در سال ۶۸۲ هجری که شرف الدین هارون فرزند صاحب شمس الدین محمد جوینی، صاحب دیوان ممالک، وارد بغداد شد و اداره امور این شهر را به عهده گرفت، شاعران و از جمله یاقوت قصایدی در مدح او سرودند. ابن فوطی قصیده یاقوت را نقل می کند (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۵۷-۲۵۶). او در وقایع سال ۶۹۸ هجری که به فوت یاقوت اشاره دارد او را مردی ادیب و عالم و فاضل و شاعر می نویسد و شماری از اشعار وی را گزارش می کند (همان: ۳۰۲-۳۰۱). ابن شاکر نیز از شاعری یاقوت صحبت می کند و شعرهای او را رقیق و رائق بر می شمارد (ابن شاکر، بی تا، ج ۴: ۲۶۴). از اشعار اثرگذار یاقوت، شعری است که پس از حمله مغولان به بغداد می سراید و در آن از دوری یاران و فراق دوستان و غریبی از دیار و وطن مألوف خود می گوید.

یاقوت علاوه بر شعر، در ادب و فضل و علم هم دستی داشت. رساله ای در باب خطاطی نوشت با عنوان رساله فی الخط که حاجی خلیفه در کشف الظنون خود از آن یاد می کند و آن را رساله ای سودمند در خطاطی می داند (یاقوت، ۱۹۴۱، ج ۱: ۸۶۲). از دیگر آثار اوست اسرار الحکماء در تصوف و اخلاق؛ اخبار و اشعار و نوادر و مُلَح و فَرَقَر و حَکَم و وصایای منتخب؛ فَرَقَر که از گفته های افلاطون در باب سیاست پادشاهی است؛ و ثمه که منتخبی از گفتارهای بزرگان است (منجد، ۱۳۷۰: ۱۲۱).

### آثار بازمانده از یاقوت

شهرت یاقوت بیشتر بر اثر مجاهدتی است که وی در راه ترقی و رواج خطوط سته از خود نشان داده است. او به سهم خود در انتشار این خطوط کوشید و استقلال و تمامیت و کمالی در آنها پدید آورد. از شرایط موجود بر می آید که چندین عامل در قوت و ابداع هنری او مؤثر بوده است.

اول عشق و علاقه مستعصم بالله به هنر خطاطی، طوری که با سخاوت تمام از ارباب هنر بویژه خطاطان و کاتبان حمایت به عمل می آورد و علاوه بر کتابخانه پیشین، کتابخانه خصوصی دیگری برای خویشان سامان دید و در آن شماری از خطاطان و خوشنویسان را به کار گرفت. هنر خطاطی در دوره او جلوه و رونق و پیشرفت دیگری یافت.

دوم عشق و علاقه و شور و شیدایی خود یاقوت به هنر خطاطی و کوشیدن مدام وی در این هنر بود، طوری که آثار زیادی از او باقی ماند و شاگردان زیادی از محضر او بهره جستند. او تمامی این شاگردان را گرامی می داشت و با گشاده دستی به آنها تعلیم خط می داد و از قرار معلوم این تعلیم منحصر به طبقه ای خاص نبوده و همه می توانستند از مظاهر هنر او بهره یاب شوند.

یک عامل دیگر که در پیشبرد و نوآوری یاقوت تأثیری عمده داشت و این عامل از لابلای بعضی از داستان ها و اطلاعات موجود، معلوم می شود، عامل نقد هنر خطاطی در این دوره

است. خود خلیفه خطاط بود و می توانست سره را از ناسره تشخیص دهد و نیز کاتبان زبردستی در اختیار داشت که آثار هنری را محک می زدند و ابداع و ابتکار آنها را می سنجیدند. مطالعه و مشق آثار استادان پیشین در بین خطاطان رایج بود و می کوشیدند تا از لحاظ پختگی و کمال به پای آنها برسند. داستانی که عالی افندی از یاقوت در امر تقلید از اثر ابن بواب و نمایاندن آن به خلیفه با رقم ابن بواب می نویسد حاکی از این مطالعه آثار استادان سلف است. یاقوت پیوسته آثار پیشینیان را مشق می کرد و از آنها مایه می گرفت و بدین لحاظ بود که توانست بداعت و ابتکاری در خطوط سته پدید آورد و آثار گذشتگان را منسوخ سازد. در واقع کتابخانه خلیفه و وابستگی او به خط و خوشنویسی میدان بزرگی برای آزمایش طبع خلاقه یاقوت بود.

بالتر از همه التفات به کتابت قرآن و حسن تأثیر آن در بین مردم، بویژه صاحبان قدرت و ثروت بود. شمار قرآن هایی که یاقوت کتابت کرده از حد فزون است و بعضی حتی برای نشان دادن کثرت این کتابت و تند نویسی یاقوت، عدد هزار و یک قرآن را پیش کشیده اند که وی در عمرش آنها را کتابت کرده است (میرزا حبیب، ۱۳۰۵ق: ۵۱). حدود ده نسخه از این قرآن ها را رشیدالدین فضل الله به دارالمصاحف ربع رشیدی اهدا کرده بود (رشیدالدین، ۱۳۵۸: ۲۱۴). میرزا حبیب اصفهانی مصحفی بزرگ در ایاصوفیه را به تاریخ ۶۵۴ هـ و مصحفی دیگر را به تاریخ ۶۶۲ هـ در مقبره حمیدیه به خط یاقوت دیده بود (میرزا حبیب، ۱۳۰۵: ۵۱).

قرآنی به شماره ۶X در موزه تویقایی سرای محفوظ است که یاقوت آن را در سال ۶۶۹ هـ کتابت کرده و این نسخه را بعدها از مکه آورده و به سلطان مراد سلطان عثمانی اهدا کرده بودند. یک قرآن وزیری بزرگ به خط یاقوت در سال ۶۷۶ هـ در کتابخانه دانشگاه استانبول موجود است. قرآن دیگری به خط او در سال ۶۷۴ هـ امروزه به کتابخانه سلطنتی ایران تعلق دارد و نیز قرآنی به تاریخ ۶۳۹ هـ. متعلق به همان کتابخانه به خط ثلث ممتاز و نسخ کتابت و تذهیب عالی. در کتابخانه آستانقدس رضوی در مشهد چندین قرآن به خط یاقوت موجود است (بیانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۲۳۱-۱۲۲۸). در آرامگاه مولانا در قونیه، کتابخانه دانشگاه استانبول، موزه آثار

اسلامی و ترکی، کتابخانه ایاصوفیه، کتابخانه سلطنتی ایران، کتابخانه ملک، موزه ایران باستان، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه آستان قدس رضوی شماری از قرآن‌های یاقوت نگهداری می‌شود.

از اینها گذشته قطعاتی از خوشنویسی یاقوت در مرقعات موجود باقی مانده است. این مرقعات امروزه در ایران و ترکیه و هند نگهداری می‌شود. یاقوت علاوه بر کتابت قرآن مجید، شماری از کتابهای دیگر را نیز کتابت کرده است. میرزا حبیب در خط و خطاطان می‌نویسد که فرزند قاضی شیراز به محمد بن تغلق شاه پادشاه هند کتابهای مختلف حکمی ارسال داشت که کتاب شفای ابن سینا به خط یاقوت از جمله آنها بود و محمد بن تغلق شاه در عوض دوپست هزار مثقال طلا برای وی فرستاد (میرزا حبیب، ۱۳۰۵ق: ۵۱). از آثار بازمانده به خط یاقوت در کتابخانه‌ها و مجموعه‌ها و موزه‌های مختلف جهان نگهداری می‌شود.

گفتنی است که کثرت شهرت یاقوت باعث شد بعدها شماری از کتابت آثار را به نام وی رقم زنند و تاریخ جعلی برای آنها بتراشند. صحت انتساب هر یک از این آثار به یاقوت مستلزم فحص و بررسی و اطلاعات کافی در زمینه خطاطی و بویژه شناخت سبک کتابت یاقوت است. در جدول زیر آثاری که یاقوت آنها را کتابت کرده و صحت انتساب هر یک از آنها به یاقوت هم مسجل شده، به صورت گاهشماری آمده است. این جدول تنها شامل آثاری است که تاریخ کتابت آنها ثبت شده است. شماری از آثار یاقوت بدون تاریخ است که فهرست آنها در این جدول حذف شده است. در تنظیم این جدول از کتاب مهدی بیانی و مقاله صلاح الدین منجد درباره یاقوت استفاده شده است.

سال کتابت	عنوان کتاب و نویسنده	جای نگهداری
۶۵۲ هـ .	دیوان شعر جاذره	کتابخانه سلطنتی ایران
۶۵۲ هـ .	دیوان قطبه بن اوس	کتابخانه سلطنتی ایران
۶۵۴ هـ .	منهاج الجلی شرح قانون الجزولی	لاله لی، ترکیه
۶۶۸ هـ .	گلستان سعدی	کتابخانه سلطنتی ایران
۶۷۴ هـ .	رساله الطیف بهاء الدین منشی اربلی	کتابخانه احمد ثالث، ترکیه
۶۸۱ هـ .	دررالحکم ثعالبی	دارالکتب مصر، قاهره
۶۸۱ هـ .	دیوان الجاذره	ایاصوفیه، ترکیه
۶۸۱ هـ .	دیوان ابی محجن ثقفی	ایاصوفیه، ترکیه
۶۸۲ هـ .	ادعیه ایام سبعة	ایاصوفیه، ترکیه
۶۸۳ هـ .	مسایل کسری انوشیروان و جواب آن مسایل	کتابخانه مونیخ، آلمان
۶۸۴ هـ .	دیوان الجاذره	ایاصوفیه، ترکیه
۶۸۹ هـ .	مجموعه حکم و آداب	نور عثمانیه، ترکیه
۶۹۰ هـ .	کتاب الشهاب	کتابخانه سلطنتی، ایران
۶۹۰ هـ .	الکافیة فی النحو از ابن حاجب	کتابخانه سلطنتی، ایران
۶۹۱ هـ .	منتخب اشعار عربی	کتابخانه سلطنتی، ایران
۶۹۲ هـ .	شهاب الاخبار قضاعی	حکیم اوغلی علی پاشا، ترکیه
۶۹۳ هـ .	ادعیه ایام سبعة	کتابخانه سلطنتی، ایران
۶۹۴ هـ .	صحیفه سجادیه	کتابخانه سلطنتی، ایران
۶۹۶ هـ .	مشارق الانوار نبویه از صفانی	ایاصوفیه، ایران

**نتیجه**

می‌توان میراث هنری یاقوت‌را در دو طبقه گنجانند: ۱- بداعت در قاعده بندی اقلام ششگانه و نوآوری در صورتبندی زیبایی شناختی این خطوط ششگانه؛ ۲- تربیت استادان سته و شمار دیگری از شاگردان.

یاقوت در قاعده بندی خطوط ششگانه، آنها را به مقام و کاربرد درست خود آورد. از روایات جسته و گریخته پیداست یاقوت برای چیرگی بر اصول و قواعد خطاطی حدی نمی‌شناخت. دستاوردهای پیشینیان بویژه دو استاد سلف - ابن مقله و ابن یواب - را مایه جهش هنری خود قرار داد و با مشق نظری و عملی آثار آنها نظمی در اقلام ششگانه پدید آورد که از طراز قط قلم گرفته تا صفای قلم را شامل می‌شد. این کار وی به کمال نمی‌رسید مگر اینکه کنجکاوی، تشنگی و شور پژوهندگی یاقوت می‌بود و یاقوت با عمر درازی که یافت (و پیداست که تا آخر عمر هم قلم زده و کتابت کرده) با کاری طاقت فرسا و پژوهندگی هوشمندانه معادله‌های خطاطی را رام و دستاموز خود کرد و بویژه خط ثلث و ریحان را به خطی پخته و زیبا و پرورده بدل ساخت.

خط یاقوت را از جهت صفا و لطافت و نازکی ستوده‌اند نه از جهت اصول و قاعده. پس ابداع و ابتکار وی بیشتر در زیبایی‌شناسی خطاطی بود که توانست آن را تا به مرحله خوشنویسی برکشد. اینکه خط او را با صفا وصف کرده‌اند از برای آن بود که طبع را مسرور می‌ساخت و چشم از دیدن آن نورانی می‌شد و این حالت جز از راه تصفیه قلب حاصل نمی‌شد و صفای خط از صفای دل بود. در حقیقت جوهره زیبایی‌شناسی خط یاقوت در صفایی بود که در خط او جریان داشت و آن هم از صفای درون او ناشی می‌شد.

اینکه نوشته‌اند یاقوت هر روز بیش از هفتاد تن را مشق خط می‌داد، بیان‌کننده دامنه وسیع تعلیم خط و پیشرفت و اعتبار این هنر است. یاقوت با این کار خود به توسعه و رواج خطاطی



کمکی در خور کرد و توانست محافلی از خطاطان و خوشنویسان را بر پا کند که برای آینده این هنر بسیار حیاتی بود.

زندگی یاقوت را می توان به دو نیمه متمایز تقسیم کرد. دوره نخست که نیمه اول سده هفتم هجری را در بر می گیرد، دوره ای آکنده از آرامش و امنیت در دارالخلافه است. یاقوت که از کودکی ولع سیر ناپذیری برای فراگیری خطاطی داشت، در این دوره با محیط و شرایطی که خلیفه مستعصم بالله برای او پدید آورد به پرورش و بالاندن قریحه هنری خود پرداخت و تلاش خود را هرچه بیشتر در جهت فراگیری و تحکیم اصول خطاطی متمرکز کرد. در این دوره است که جوهره هنری خود را بروز داد و با بهره یابی از دستاوردهای استادان سلف به قاعده بندی و زیباسازی خطوط ششگانه همت گماشت.

دوره دوم زندگی او نیمه سوم سده هفتم هجری را در بر می گیرد و دوره ای است آکنده از ناپایداری اوضاع و فقدان امنیت و آسایش کافی. حمله مغول به بغداد و سرنگونی خلافت عباسی و کشته شدن خود خلیفه تأثیری نامطلوب در روحیه یاقوت داشت. بازتاب این دوره سرشار از خشونت و کشتار را می توان در بعضی از اشعار یاقوت باز یافت. شهرت او در خطاطی و بالاتر از همه عشق و علاقه وی به این هنر تأثیر کامل خود را اعمال کرد و یاقوت را از مهلکه مرگ به در آورد و به دامان بازیگران جدید عرصه سیاست انداخت. نیمه دوم زندگی یاقوت با دگرگونی اوضاع شروع شد و این بار آنچه را که در نیمه اول زندگی خود تحصیل و مشق کرده بود، در بوته مشق عملی گذاشت و خود را وقف کتابت و خوشنویسی و حتی تعلیم خطبه استعدادهای جوان کرد. شماری از خاندان های فرهیخته ایرانی در گرایش های جدید زمانه پاسداری از سنت های هنری را وجهه همت خود قرار دادند و با حضور قوم بنیان کن مغول به تقویت این سنت ها پرداختند. از اینها گذشته دستگاه نظامی و دیوانی مغولان نیازمند افرادی کاردان و چیره دست بود. از این رو یاقوت و شاگردان برجسته او هنر خود را به خدمت سلاطین زمانه در آوردند و موجبات شکوفایی هنر خطاطی و کتابت را فراهم کردند. بسط و گسترش و رشد و

شکوفایی هنر خطاطی و خوشنویسی ارزنده ترین میراث یاقوت مستعصمی برای نسل های بعد از خود بود.

### یادداشت ها:

۱- این مقاله حاصل یک طرح تحقیقاتی با عنوان «میراث هنری یاقوت مستعصمی» است که در دانشگاه تهران اجرا شده است. بدینوسیله امتنان خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران و پردیس هنرهای زیبا ابراز می دارم.



## منابع

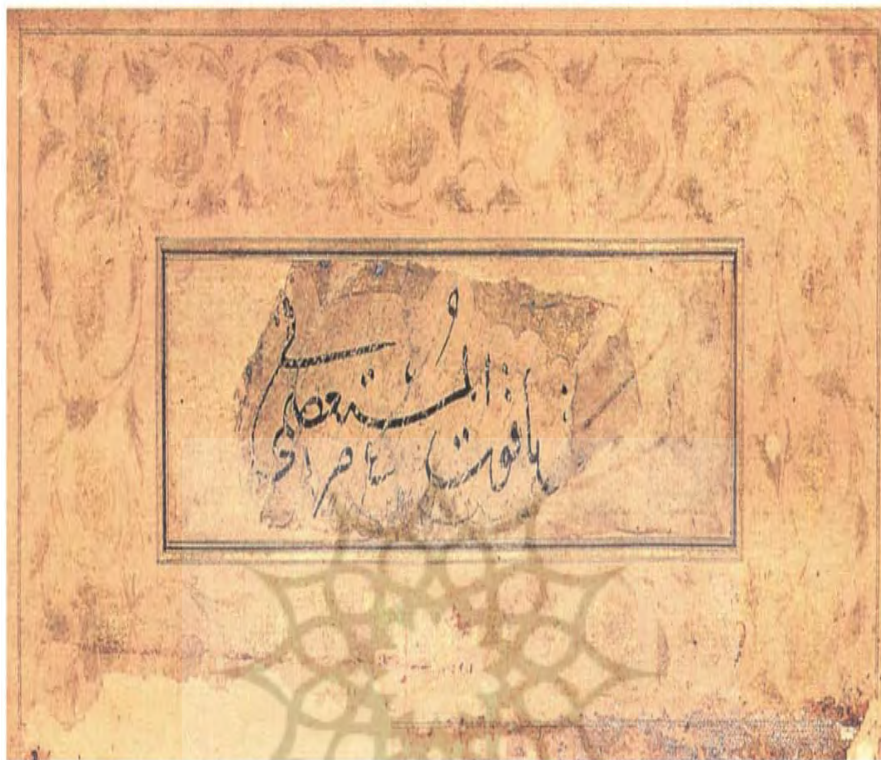
- ۱- ابن خلکان (۹-۱۹۴۸ م.) وفيات الاعیان. جلد ۳ و ۵ و ۶. قاهره.
- ۲- ابن شاکر (بی تا) فوات الوفيات. جلد ۴. تحقیق احسان عباس. بیروت.
- ۳- ابن طقطقی (۱۳۶۰) الفخری. ترجمه محمدوحید گلپایگانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴- ابن فوطی (۱۳۸۱) الحوادث الجامعه. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران.
- ۵- بیانی، مهدی (۱۳۶۳) احوال و آثار خوشنویسان. جلد ۴ در ۲ جلد. تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- حاجی خلیفه (۱۹۱۴ م.) کشف الظنون. جلد ۱. استانبول: وزارت معارف ترکیه.
- ۷- رشیدالدین فضل اله (۱۳۵۸) سوانح الافکار. چاپ محمدتقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- زکی محمد حسن (۱۳۱۷) تاریخ نقاشی ایران. ترجمه ابوالقاسم سحاب. تهران: سحاب.
- ۹- سلیمان سعدالدین (۱۹۲۸ م.) تحفه الخطاطین. استانبول: منشورات تورک تاریخ انجمن کلیاتی.
- ۱۰- عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹) مناقب هنروران. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: سروش.
- ۱۱- عکاشه، ثروت (۱۳۸۰) نگارگری اسلامی. ترجمه غلامرضا تهامی. تهران: فرهنگستان هنر.
- ۱۲- قاضی احمد قمی (۱۳۶۶) گلستان هنر. به اهتمام احمد سهیلی خوانساری. تهران: منوچهری.
- ۱۳- گری، بازیل (۱۳۶۹) نقاشی ایران. ترجمه عربعلی شروه. تهران.
- ۱۴- منجد، صلاح الدین (۱۳۷۰) یاقوت مستعصمی. ترجمه محمد آصف فکرت. تهران: مشکوه.
- ۱۵- میرزا حبیب اصفهانی (۱۳۰۵ ق.) خط و خطاطان. قسطنطنیه.
- ۱۶- واصفی (۱۳۵۰) بدایع الوقایع. جلد ۲. چاپ الکساندر بولدروف. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۷- یاقوت حموی (۱۶-۱۹۰۹ م.) معجم الادبا. جلد ۵ و ۹ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹. به کوشش احمد رفاعی. مصر.



بخشی از مفردات یاقوت مستعصمی، احتمالاً بغداد، سده هفتم هجری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



مرقعات به رقم یاقوت المستعصمی، بغداد، سده هفتم هجری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



قرآن، به خط ریحانی، کتابت یاقوت، ۶۸۰ هـ، بغداد، محفوظ در موزه ایران باستان



قرآن، خط محقق، کتابت یاقوت، ۶۸۱ هـ . . ، احتمالاً بغداد، مجموعه خلیلی، لندن



قرآن، کتابت یاقوت، احتمالاً بغداد، مجموعه خلیلی، لندن





قرآن، کتابت یاقوت، احتمالاً بغداد، مجموعه خلیلی، لندن



خط ریحان، کتابت یاقوت، مجموعه کاخ گلستان، تهران



خط خط ثلث و نسخ، یاقوت مستعصمی، تبریز، توپقاپی سرای، استانبول

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



رقعه ای از قرآن، به خط محقق، منسوب به یاقوت، مجموعه خلیلی، لندن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی